



## بررسی چالش‌های تربیت دینی و ارائه راهکارهایی برای اصلاح آن از منظر نومعتزلیان معاصر

عزیز سواری<sup>۱</sup>، صاحب‌سالار<sup>۲</sup>

### چکیده

این نوشتار که با هدف بررسی چالش‌های تربیت دینی از دیدگاه نومعتزلیان معاصر و ارائه راهکارهایی جهت اصلاح آن و با روش سندی-تحلیلی انجام گرفته پس از معرفی "نومعتزله" به عنوان یک جریان فکری نوظهور در تاریخ اسلام معاصر، دیدگاه آنان را درباره چالش‌های پیش روی تربیت دینی، مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. دغدغه اصلی نومعتزلیان یافتن عوامل پیشروی و بازسازی دنیای اسلام است. به نظر این گروه، مسئول عقب ماندگی مسلمانان، اسلام نیست؛ بلکه تفسیرها و فهم‌های نادرست از اسلام و نادیده گرفتن جایگاه عقل در اثر رواج افکار اشعری‌گری است. نومعتزلیان معاصر در برخورد با نظام تربیت دینی کشورهای مسلمان، به دو مقوله مرتبط به هم پرداخته‌اند: اول نقد نظام‌های تربیتی و دوم ارائه راهکارهایی جهت اصلاح آن. در گام اول نومعتزلیان چالش‌هایی همچون خردستیزی، قشری‌نگری، آزادی‌ستیزی، جزمیت نظام‌های آموزشی را در کشورهای مسلمان شناسایی کرده و در گام دوم به عنوان مصلح، راهکارهایی همچون تأکید بر آزادی، عقلانیت، نوآوری، تجدد، تنوع، گفتگو، نقد، تأمین فرصت‌های آموزشی برابر برای مردان و زنان را در تربیت دینی پیشنهاد کرده‌اند.

**کلمات کلیدی:** تعلیم و تربیت، تربیت دینی، نومعتزله، چالش‌های تربیت

### ۱. مقدمه

حکیمان و عالمان علاج قطعی همه معضلات جوامع بشری را در تعلیم و تربیت صحیح دانسته‌اند و در این میان تربیت دینی<sup>۳</sup> جایگاهی خاص دارد. تربیت دینی از دیر باز مورد توجه بوده است، کمتر جامعه‌ای را می‌توان یافت که با دین و تربیت دینی سر و کاری نداشته باشد. نگاهی گذرا به تاریخ بشر نشان می‌دهد که همه جوامع به نوعی دیندار بوده‌اند (داودی، ۱۳۸۶: ۱۱). در عصر حاضر اهمیت تربیت دینی و پافشاری بر آن، ناشی از عوامل متعدد جدیدی از قبیل عقب نشینی ارزش‌های فرهنگی در برابر هجوم تمدن مادی بیشتر شده است (مشایخی راد، ۱۳۸۰: ۷۰). لزوم نگاهی دوباره به آموزه‌های دینی و بازخوانی مجدد آن مطابق با تغییرات جهان امروز از یک طرف و گرایش انسان دردمند و خسته از دستاوردهای فرهنگی تکنولوژی و مصرف‌گرایی به سوی معنویات و

۱. دانشگاه شهید چمران، گروه علوم تربیتی، اهواز، ایران. azizsawari@gmail.com (نویسنده مسئول مکاتبات)

۲. دانشگاه شهید چمران، گروه علوم تربیتی، اهواز، ایران. sahebesalar@gmail.com



دلبستگی های دینی و آرمانی از طرف دیگر موجبات توجه دوباره به این بحث قدیمی را فراهم آورد. با این وجود، فرآیند تربیت و خصوصاً تربیت دینی همیشه و به ویژه امروز با چالش‌هایی مواجه بوده است (ظاهری‌راد، ۱۳۹۰: ۱). بر این اساس پژوهش حاضر هم خود را صرف بررسی چالش‌های پیش روی تربیت دینی و ارائه راهکارهایی برای اصلاح آن از منظر جریان "نومعتزله" قرار داده است.

نومعتزله، یکی از گرایش‌ها و جریان‌های کلامی برجسته در جهان اسلام است که از ظهور آن، نزدیک به دو قرن می‌گذرد (وصفی، ۱۳۸۷: ۱۱). این نواندیشان معاصر، با توجه به جنبه مهم کار "معتزله" یعنی «ارائه تفسیر عقلانی از وحی و شریعت» می‌کوشند این مکتب فکری در اسلام را احیاء کرده و آراء و آموزه‌های آن را با مسائل جدید دوره مدرنیته تطبیق دهند و در نتیجه راه‌حل‌ها و موضع‌گیری‌های مناسبی برای این مسائل بیابند (غروی، ۱۳۸۳: ۳). اگر چه این افراد در همه زمینه‌ها نظر واحد ندارند؛ اما نوعاً بر "عقل‌گرایی افراطی" اصرار دارند و طبقه متأخر آنان بر عقل خودبنیاد غربی و همچنین بر تاریخ‌مندی بسیاری از آموزه‌های دینی تأکید می‌کنند. اندیشمندان نومعتزلی همانند اسلاف معتزلی خود در زمینه‌های گوناگون علوم اسلامی به ویژه مباحث کلامی نظریه‌پردازی کرده‌اند و در این زمینه علاوه بر مبانی معتزله، از روش‌های جدیدی که در علوم انسانی غربی مطرح شده است، بهره برده‌اند؛ از این رو دیدگاه‌های آنان در مواردی باعث جنجال و چالش‌های فکری در جهان اسلام شده و سیلی از اعتراضات را متوجه آنها ساخته است (گلی و یوسفیان، ۱۳۸۹: ۱۱۶). با توجه به اهمیت این جریان فکری و نفوذ روزافزون آن در جهان اسلام و چالش‌هایی که به وجود آورده است، بررسی دیدگاه آنان در مورد تربیت و خصوصاً تربیت دینی اهمیت و ضرورت می‌یابد.

## ۲. مبانی نظری مقاله

یکی از مناقشه‌های جدی دوران معاصر، تعیین جایگاه دین و به تبع آن نگاه دینی در سامان‌دهی حیات فردی و اجتماعی بشر است (صفایی مقدم، ۱۳۸۸: ۹). برخی بر این باورند که دین برنامه‌ای است که همه‌ی زندگی را فرا می‌گیرد، پس همه‌ی ارزش‌های اجتماعی برخاسته از اعتقادهای دینی است و تربیت دینی در همه‌ی ابعاد زندگی مطرح است (ناصر، ۱۳۸۰: ۳۳). اما برخی دیگر بر این باورند که دوران جدید دوران تکثر و تفاوت‌هاست و لذا تربیت دینی باید ویژگی‌های این عصر را مد نظر قرار دهد.

دیدگاه‌ها و نظریه‌های گوناگونی در مورد ارتباط دین و تربیت توسط اندیشمندان به ویژه فلاسفه تربیت بیان شده است: آن چه امروزه این بحث را بیش تر در مدار توجه فیلسوفان، نظریه پردازان تربیتی و مربیان قرار داده است دیدگاه کاملاً متفاوتی است که دامن گیر بحث ارتباط دین و تربیت شده است (مشایخی راد، ۱۳۸۰: ۹).

برخی با جدایی کامل دین از تربیت و عدم کارایی و ثمربخشی آن در این حوزه هرگونه تاثیر پذیری نظام تعلیم و



تربیت را از دین امری کهنه، قدیمی و متعلق به عصر تفوق ماوراءالطبیعه و خرافات بر عقل و علم می‌دانند. آن‌ها دین را متعلق به عصر کودکی بشر و مخالف با عقل و علم می‌دانند و چنین ادعا می‌کنند که امروزه بشر با تمسک به پیشرفت‌های عقل و شناخت دقیق تر خود ظرفیت مناسب‌تری برای برنامه‌ریزی و پیش برد امور مربوط به خویش دارد. اکنون با رفع بسیاری ابهامات از زندگی انسان و ارائه‌ی چهره‌ای منفی از کارکرد بسیاری از آموزه‌های خرافی در طول اعصار گذشته تمسک به سنت‌های کهنه و قبول نقش آن‌ها در ساخت شخصیت انسان به منزله‌ی فروگذاری بینش جدید و انحراف انسان از رشد و پیشرفت و دست و پا زدن در ابهامات غیرقابل حل است. شاید بتوان ریشه‌ی این طرز تفکر را در جهان معاصر نوعی علم‌زدگی و تقبل نقش منحصر برای علم و توانایی انسان در شناخت آن دانست، امری که در برخی از مکاتب فلسفی منعکس کننده نوعی الحاد و در مکاتب روان‌شناسی در قالب رفتارگرایی محض بروز و ظهور پیدا کرده است (همان، ۱۰-۹).

در مقابل، برخی دیگر لزوم اعطاء نقشی مناسب به دین و قبول تاثیرگذاری آن را در نظام تعلیم و تربیت پذیرفته‌اند. اما نحوه و میزان تاثیرگذاری و حضور دین در گستره تربیت انسان وابسته به نوع نگاه آن‌ها به انسان و دین است. گروهی با تأکید بر مقوله‌های دینی درصدد ارائه‌ی چهره‌ای دینی از تمام موضوعات مربوط به انسان هستند، آن‌ها حتی معتقد به دینی کردن بسیاری از علوم که ماهیتی غیر دینی دارند، می‌باشند. این که چگونه این اعتقاد شکل می‌گیرد و پایه‌های توجیهی خود را مستحکم می‌کند امری در خور بحث مفصل و خارج از حوصله این جستار است. امروزه بسیاری از صاحب‌نظران در امر تعلیم و تربیت، دین و مسائل اجتماعی قائل به نوعی اثربخشی دین در تعلیم و تربیت و لزوم حضور چهره‌ای مناسب از آن در سطح مدارس هستند (ظاهری راد، ۱۳۸۰: ۱۲).

### ۳. مرور پیشینه‌ها

بحث از تربیت دینی، بحث از امری محال و ممتنع نیست؛ چراکه از زمان‌های بسیار دور در تاریخ فکر و فلسفه بشری، امر تربیت در بستر نظام‌های دینی – اعم از الهی و بشرساخته – وجود داشته است (مایر، ۱۳۵۰: ۳۷). با توجه به گستردگی پژوهش‌هایی که در مورد "تربیت دینی" و همچنین در "جریان نومعتزله" صورت گرفته است، تنها به برخی از آن‌ها اکتفا می‌شود. ابتدا به پیشینه‌هایی که در مورد تربیت دینی و چالش‌های آن انجام شده، می‌پردازیم.

صالحی و تهامی (۱۳۸۸) در پژوهشی با نام بررسی و تحلیل عوامل و موانع مؤثر در تربیت دینی بر مبنای سخنان حضرت علی(ع) در نهج البلاغه، با اشاره به این که تربیت دینی یکی از اساسی‌ترین مسائل جوامع اسلامی است که بحث‌های فراوانی دارد؛ به تبیین مفهوم تربیت و تربیت دینی و شناسایی عوامل و موانع مؤثر در آن بر مبنای



سخنان امام علی(ع) پرداخته اند. رضایی زارچی و رهنما (۱۳۸۸) در مقاله ای تحت عنوان بررسی نسبت جهانی شدن با تربیت دینی به بررسی نسبت جهانی شدن با تربیت دینی در چهار محور؛ جهانی شدن، تربیت دینی در عصر جهانی شدن، چالش های احتمالی جهانی شدن برای تربیت دینی و راهکارهای مقابله با چالش های احتمالی پرداخته اند. نتیجه‌ی تحقیق تقوی نسب؛ میرشاه جعفری و نجفی (۱۳۸۸) که با عنوان ضرورت نوآوری در روش های تربیت دینی از منظر مبانی علمی، دینی و فلسفی انجام شده حاکی از آن است که؛ در جامعه معاصر، فرایند تربیت دینی نیز باید همگام و متناسب با تغییرات روز پیش رود تا بتواند جوابگوی نیاز مخاطبان خود باشد. این امر، بازنگری، تجدید نظر و نوآوری در شیوه ها و روش های تربیت دینی را ضروری می نماید.

ظاهری راد (۱۳۹۰) در پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد خود با عنوان "بررسی تحلیلی تربیت دینی و چالش های پیش رو با تأکید بر آموزه های اسلامی" برای چالش های پیش روی تربیت دینی پنج بخش کلی؛ جهانی شدن و تربیت دینی، برخی از شیوه های تربیتی (شبه تربیت)، کثرت گرایی دینی، زمان شروع تربیت دینی و اهداف تربیت دینی را مشخص می کند.

اما در مورد جریان نومعتزله نیز تحقیقات و پژوهش هایی انجام گرفته است که چند مورد را به طور خلاصه مرور می کنیم:

غروی (۱۳۸۳) در مقاله‌ای با عنوان "معرفی معتزلیان معاصر" پس از مقایسه معتزله قدیم با معتزله معاصر و بررسی مبانی فکری این دو گروه، به معرفی افراد سرشناس این جریان نوظهور همچون امین الخولی، محمد احمد خلف الله، محمد عابد الجابری، نصر حامد ابوزید، حسن الحنفی و ... پرداخته است.

گلی و یوسفیان (۱۳۸۹) در مقاله‌ای علمی- پژوهشی با عنوان "جریان شناسی نومعتزله" معتقدند که این جریان، خاستگاه خود را در آرای معتزلیان قدیم می جوید و به دنبال تجدید بنای معرفتی اسلام بر پایه عقل گرایی است. همچنین در این مقاله پژوهشگران به بررسی عوامل شکل گیری جریان نومعتزله در جهان اسلام، نقاط اشتراک و افتراق میان جریان کلامی نومعتزله با مکتب معتزله و نقد و بررسی اجمالی مبانی نظری و دیدگاه های کلامی طرفداران این جریان فکری پرداخته اند.

سواری و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان آموزش عالی از منظر نومعتزلیان معاصر جهان عرب، پس از معرفی "نومعتزله" به عنوان یک جریان فکری نوظهور در تاریخ اسلام معاصر، دیدگاه این فلاسفه را درباره‌ی آموزش عالی در جامعه اسلامی امروزی، مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. به باور نومعتزلیان، مناسب ترین نقطه‌ی آغاز و احیای مقولات ارزشی در جامعه‌ی معاصر اسلامی، به کمک آموزش دانشگاهی (التعلیم الجامعی) میسر خواهد شد. یادآور می شود پژوهشی با عنوان بررسی چالش های تربیت دینی از منظر نومعتزلیان معاصر مشاهده نگردید.



#### ۴. روش‌شناسی مطالعه

این تحقیق با راهبرد کیفی، راهکار کتابخانه‌ای و رویکرد تحلیلی انجام گرفته است. قلمرو این تحقیق را آثار و کتب فلاسفه‌ی نومعتزله‌ی معاصر و همچنین متن‌های مکتوب درباره‌ی آنان تشکیل می‌دهد و محقق به دنبال تجزیه و تحلیل دیدگاه این اندیشمندان مسلمان در مورد تربیت دینی و چالش‌های پیش روی آن است.

#### ۵. یافته‌ها (بحث و بررسی)

هدف نوشتار حاضر، بررسی چالش‌های پیش روی تربیت دینی و ارائه راهکارهایی برای اصلاح آن از دیدگاه نومعتزلیان معاصر می‌باشد، لذا در ابتدا بایستی اندیشه و مبانی فکری نومعتزلیان شناخته شود و سپس سعی خواهیم کرد دیدگاه آنان را در مورد تربیت دینی و چالش‌های آن را از آثار و کتب آنان جویا شویم. در پایان نیز به مهم‌ترین راه حل‌هایی که برای این چالش‌ها توسط این فلاسفه مسلمان معاصر ارائه شده خواهیم پرداخت. معتزله نام‌آشنایی در حوزه علوم و معارف اسلامی است و به فرقه کلامی اطلاق می‌شود که ویژگی عمده آنان به کارگیری "عقل" در تفسیر آموزه‌های کلامی و الهیاتی بود و بدین‌سان ایشان راه خویش را از تفکر اهل سنت و جماعت که بیشتر نقل‌گرا بودند ممتاز می‌ساختند. معتزلیان به رهبری کسانی چون حسن بصری و اندیشمندانی چون جاحظ و قاضی عبدالجبار و به دنبال حوادث سیاسی اجتماعی و اندیشه‌های جدیدی که در جامعه نو پای اسلامی پدید آمده بود در تاریخ اسلام ظهور کردند (غروی، ۱۳۸۳: ۳). اینان در مباحث الهیات و اثبات و تبیین اصول عقاید اسلامی، تعقل منطقی و استدلال عقلی و آزاداندیشی را بر هر چیز دیگر مقدم می‌داشتند؛ از این رو ظاهر مخصوص آیه‌های قرآن و حدیث‌ها را با موازین عقلی و منطقی می‌سنجیدند و تفسیر می‌کردند (فضایی، ۱۳۸۰، ۱۲۸).

امروزه گروهی از نواندیشان و تجددخواهان معاصر، عمدتاً در کشورهای عربی، با توجه به این جنبه مهم کار معتزله یعنی "ارائه تفسیر عقلانی از وحی و شریعت" می‌کوشند با احیای این مکتب فکری در اسلام و تطبیق آراء و آموزه‌های آن با مسائل جدید که به دنبال تحولات دوره مدرنیته بوجود آمده، راه حل‌ها و موضع‌گیری‌های مناسبی برای این مسائل بیابند (غروی، ۱۳۸۳: ۳). آنان می‌کوشند به وسیله ارائه تفسیری نو از اسلام که مطابق با مقتضیات زمانه باشد به نوسازی میراث اسلامی بپردازند.

سر سلسله این جنبش‌های عمدتاً تجددخواهان را می‌توان سید جمال الدین اسدآبادی (۱۳۱۵-۱۲۵۵) و همچنین شاگردش محمد عبده (متوفی ۱۳۲۳) دانست. کسانی چون امین الخولی و محمد احمد خلف الله از دیگر عناصر اندیشه‌ای این جریان هستند که اینان را می‌توان پایه‌گذاران جنبش نومعتزلیان در مصر و کشورهای عربی دانست. از دیگر نومعتزلیان معاصر می‌توان به محمد عابد الجابری (مراکش)، جابر عصفور، طه حسین، حسن حنفی



(مصر)، نصر حامد ابوزید (مصر)، عبدالرحمن بدوی، طهطاوی (رئیس سابق دانشگاه الأزهر)، محمد الطالبی (تونس)، لیلا احمد (کانادایی عرب تبار) اشاره کرد (وصفی، ۱۳۸۷: ۱۱) که به جهت اتخاذ رویکرد عقلانی نسبت به تفسیر متون دینی، نومعتزله نامیده شده‌اند.

اگر چه این افراد در همه زمینه‌ها نظر واحد ندارند؛ اما نوعاً بر "عقل‌گرایی افراطی" اصرار دارند و طبقه متأخر آنان بر عقل خودبنیاد غربی و همچنین بر تاریخ‌مندی بسیاری از آموزه‌های دینی تأکید می‌کنند. اندیشمندان نومعتزلی همانند اسلاف معتزلی خود در زمینه‌های گوناگون علوم اسلامی بویژه مباحث کلامی نظریه‌پردازی کرده‌اند و در این زمینه علاوه بر مبانی معتزله، از روش‌های جدیدی که در علوم انسانی غربی مطرح شده است، بهره برده‌اند؛ از این رو دیدگاه‌های آنان در مواردی باعث جنجال و چالش‌های فکری در جهان اسلام شده و سبب اعتراضات را متوجه آنها ساخته است (گلی و یوسفیان، ۱۳۸۹: ۱۱۴). از سوی دیگر در بیشتر دانشگاه‌های دنیا، حتی بسیاری از کشورهای اسلامی، کسانی که کرسی تدریس اسلام و معارف آن را در دست دارند، افکارشان اعتزالی و یا در راستای اعتزال جدید است؛ از این رو شناسایی اصل جریان به همراه نقاط قوت و ضعف آن، شناخت دستگاه معرفتی و اجتماعی آنان به همراه تحلیل و نقدهای موشکافانه آن دستگاه، امری ضروری به نظر می‌رسد.

#### ۵-۱- عوامل و دلایل شکل‌گیری نومعتزله

رویارویی مسلمانان با کشورهای غربی استعمارگر، سبب آگاهی آنان از تحولات و پیشرفت‌های گسترده علمی، سیاسی و اجتماعی کشورهای غربی شد و پرسش‌های گوناگونی را در عرصه‌های مختلف، پیش روی متفکران مسلمان قرار داد. یکی از این پرسش‌ها این بود که علت پیشرفت غرب و عقب ماندگی مسلمانان چیست؟ در این میان برخی از مستشرقان دلیل عقب ماندگی کشورهای اسلامی را دین اسلام معرفی کردند. برای نمونه، فیلسوف فرانسوی، ارنست رنان<sup>۱</sup> ادعا کرد که هیچ‌گونه سازگاری بین اسلام و علم وجود ندارد و هر آنچه که با نام علم اسلامی یا فلسفه اسلامی شناخته می‌شود، ترجمه‌ی محض از متون یونانی است. از نظر ارنست رنان، اسلام مانند دیگر عقاید مذهبی، مخالف خردگرایی و اندیشه آزاد است. هانوتوکس<sup>۲</sup>، مورخ و سیاستمدار فرانسوی نیز، اسلام را مسئول عقب ماندگی کشورهای مسلمان می‌دانست.

در جهان اسلام پاسخ به علت عقب ماندگی مسلمانان، سه جریان را پدید آورد: گروهی معتقد شدند که میراث اسلامی، زیانمند و مسئول بخشی از ابعاد بحران کنونی است؛ از این رو راه‌حل عقب ماندگی جهان اسلام، کنار گذاشتن اسلام است. گروهی دیگر که به سلفیه معروف هستند، معتقد شدند آنچه در مقابل هجوم غرب و مدرنیته، هویت ویژه‌ی مسلمانان را حفظ می‌کند و سبب احیای تمدن می‌شود، حفظ و عمل به میراث اسلامی است. گروه

1 - Ernest Renan

2 - Hanotex



سومی نیز شکل گرفت که رویکرد آنها نوسازی میراث دینی است. آنان می کوشند به وسیله ارائه تفسیری نو از اسلام که مطابق با مقتضیات زمانه باشد، به نوسازی میراث اسلامی بپردازند و آن را سازگار با مدرنیته نشان دهند. با توجه به مطالب بالا می توان به طور خلاصه دو عامل مهم شکل گیری مکتب نومعتزله را این امور دانست:

- پاسخ به شبهات مستشرقان در مورد معرفی اسلام به عنوان عامل عقب ماندگی مسلمانان
- بازسازی اندیشه اسلامی با احیای آرای معتزله به منظور ایجاد تحول در جامعه اسلامی (گلی و یوسفیان، ۱۳۸۹: ۱۱۶).

## ۵-۲- مبانی فکری، اصول و روش های نومعتزلیان

دغدغه اصلی نومعتزلیان یافتن عوامل پیشروی و بازسازی دنیای اسلام است. به نظر این گروه، مسئول عقب ماندگی مسلمانان، اسلام نیست؛ بلکه تفسیرها و فهم های نادرست از اسلام و نادیده گرفتن جایگاه "عقل" در اثر رواج افکار اشعری گری است. آنها معتقدند که از طریق نظام فکری اشعری که مروج جبر و قضا و قدر است، نمی توان به پیشرفت جهان اسلام دست یافت؛ زیرا اندیشه تسلیم در مقابل قضا و قدر و عقیده به جبر، مسلمانان را از حرکت باز داشته و زمین گیرشان کرده است. به نظر آنها، اگر مکتب معتزله که بر آزادی اراده و اختیار انسان تأکید داشت، در میان مسلمانان حاکم بود، مسلمانان شرایطی بهتر از امروز داشتند؛ از این رو نومعتزلیان راه پیشرفت مسلمانان را در کنار گذاشتن تعالیم مکتب اشعری و احیای مکتب معتزله در جهان اسلام می دانند.

از مبانی مهم نومعتزلیان معاصر می توان به «عقل گرایی»، «علم گرایی» و «سکولاریسم» اشاره کرد. نومعتزلیان همانند معتزلیان قدیم، بر حاکمیت عقل تأکید دارند. برای نمونه، نصر حامد ابوزید از متفکران مشهور نومعتزلی در این زمینه می گوید: «اصل و آغاز، همانا حاکمیت عقل است. سلطه ای که اساساً خود وحی نیز بر آن استوار است. عقل قابلیت خطا دارد ولی به همان نسبت قادر به تصحیح خطاهای خویش نیز می باشد و مهم تر این که عقل، یگانه ابزار ما برای فهم است» (ابوزید، ۱۳۸۲، ۱۶۳ و ۱۶۴). از نشانه های عقل گرایی نومعتزلیان جدید این است که آن ها همانند معتزلیان قدیم به تفسیر عقلانی متون دینی می پردازند و در مواردی که متن ظاهری قرآن و حدیث با احکام عقلی ناسازگار است، به تاویل دست می زنند و عبارات را بر مجاز یا استعاره حمل می کنند (عدالت خواه، ۱۳۸۰، ۷). «علم گرایی» یا معیار قرار دادن جدیدترین دستاوردهای علوم بشری در بررسی آموزه های دینی، یکی دیگر از مبانی نومعتزلیان است. آن ها به جای این که آموزه ها و تعالیم اسلامی را ملاکی برای ارزیابی یافته های علوم بشری قرار دهند، با معیار قرار دادن علوم بشری و قواعد آن، به سراغ قرآن و روایات می روند و به دنبال ارائه تفسیری از گزاره های موجود در قرآن و احادیث نبوی اند که با علوم بشری سازگار باشد (گلی و یوسفیان، ۱۳۸۹، ۱۲۰). از مبانی دیگر که بسیاری از نومعتزلیان به آن اعتقاد دارند، «سکولاریسم» است.



با اتخاذ چنین مبنایی، آن‌ها دعوت به اسلامی کردن را نه تنها در فقه، بلکه در ادبیات، هنر و به طور کلی دانش مردود دانسته و با دینی کردن مسائل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و علمی مخالفت می‌کنند (همان: ۱۲۱). در مجموع می‌توان این‌گونه بیان نمود که نومعتزلیان تلاش دارند با تفسیری لیبرالیستی و مدرن از دین اسلام، به نزدیکی اسلام و تفکر مدرن کمک نموده و تداوم تفکر اسلامی را در دنیای امروزی ممکن سازند. اصولی که معتزلیان جدید دنبال می‌کنند به قرار زیر است:

- تأکید بر عقل و بهره‌گیری دوباره از آن در پرتو دانش جدید
- محور قرار دادن انسان و آن را مخاطب اساسی قرآن قرار دادن
- بازگشت به اسلام تنها با احیای عقل در حوزه‌های اندیشه و فرهنگ ممکن است
- نصوص دینی تنها یک وجه از وجوه حیات آدمی را پوشش می‌دهد
- زبان مهم‌ترین ابزار یک قوم در فهم و نظام بخشی جهان است و جدا از فرهنگ و واقعیت نیست
- سکولاریسم فهم راستین علمی از دین است
- تفسیر عقلانی آموزه‌های دینی
- بهره‌گیری از آموزه‌های فلسفی
- فلسفه به منزله سرچشمه تفکر و تفسیر و تبیین شناخت جهان و جامعه است.

### ۵-۳- تربیت دینی؛ چالش‌ها و راهکارها

تعلیم و تربیت و به ویژه تربیت دینی نسل جوان در نظر نومعتزلیان معاصر جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است. نویسندگان نومعتزله کمابیش در کتاب‌های خود "نظام آموزشی" مطلوب جامعه‌ی اسلامی معاصر را ترسیم کرده‌اند. آنان از نظام آموزشی که بر پایه‌ی آزادی، عقلانیت، دموکراسی و نقد باشد، طرفداری می‌کنند. نومعتزلیان در نقد نظام آموزشی کنونی، آن را مروج نوعی انقیاد فرهنگی و وابستگی به سنت می‌دانند (سواری و همکاران، ۱۳۹۴).

با مراجعه مستقیم به آثار پژوهشی و کتب اندیشمندان نومعتزله معاصر می‌توان گفت که آنان به دو عنصر مرتبط به هم در تربیت دینی توجه کرده‌اند: اول: نقد<sup>۱</sup> نظام‌های تربیتی و به ویژه تربیت دینی کنونی کشورهای مسلمان، دوم: ارائه و پیشنهاد راهکارهایی جهت اصلاح آن.

نومعتزلیان معاصر، در گام اول نظام‌های آموزشی و تربیتی کشورهای مسلمان را در بوته نقد قرار می‌دهند و

۱- بسیاری از نومعتزلیان معاصر به مقوله‌ی "نقد" به ویژه نقد عقل و اندیشه اسلامی پرداخته‌اند، از جمله: محمد عابدالجباری (نقد العقل العربی: ۲۰۰۶)، محمد آرکون (نقد العقل الإسلامی، قضایا فی نقد العقل الدینی: ۱۹۹۸، من الاجتهاد الی نقد العقل الاسلامی: ۱۹۹۱)، حامد ابوزید (نقد الخطاب الدینی: ۲۰۰۸) و ...





چالش‌هایی از جمله؛ خردستیزی، قشری‌نگری، آزادی‌ستیزی، جزمیت و مخالفت آن با هر نوع نوآوری، تجدد را برای آن برشمردند. برای نمونه محمد آرکون (۱۹۲۸-۲۰۱۰م) در نقد تربیت دینی برخی از کشورهای مسلمان معتقد است که این کشورها با تحریم عقل فلسفی اسلامی، تنها به یک گروه از علمای دین اجازه حضور داده‌اند: «کشورهای اسلامی، نظام آموزشی و تربیتی خود را به گونه‌ای سامان داده‌اند که گویی پریشی از این حوزه بر نمی‌خیزد! آن‌ها درهای فکر و اندیشه را به روی خود بسته‌اند و تنها به علمای سلفی، اجازه حضور داده‌اند. آن‌ها نظام آموزشی و تربیتی خود را از ابتدایی تا سطوح عالی دانشگاهی در خدمت این قشر نهاده‌اند. این کشورها هرگونه خردگرایی و نقد اندیشه را دایرهٔ محرمانه و ممنوع می‌دانند. در چنین کشورهایی، نهاد دولت و نهاد آموزش دین، هر دو در کنار هم، نقش یکسانی ایفا می‌کنند. آن‌ها از نوگرایی، عقلانیت و فلسفه، هیچ نمی‌دانند. آن‌ها حتی حاضر نیستند شکوفایی گذشته اسلامی در بغداد، قاهره و اندلس را یادآور شوند. خرد فلسفی اسلامی را بر خود ممنوع می‌دانند. بزرگان فلسفه‌ی اسلام را در نظام آموزشی خود نادیده می‌گیرند و از سخن گفتن از رابطه بین عقل و دین، می‌هراسند (وصفی، ۱۳۸۷: ۱۱۸ مصاحبه با آرکون).

همچنین حامد ابوزید (۱۹۴۳-۲۰۱۰م) یکی دیگر از بزرگان فلاسفه نو معتزله معاصر، در نقد نظام تربیتی کشور خود و به ویژه نظام آموزشی دانشگاه الأزهر مصر بیان می‌کند: «نظام آموزشی کنونی ما در همه سطوح آن، از مهد کودک گرفته تا دانشگاه، نه تنها در برابر این ارزش مطلوب (آزادی) مقاومت می‌کند، بلکه با تمام توان، ارزش متناقض آن (یعنی انقیاد و وابستگی) را در خود می‌پروراند. به سهولت می‌توان دریافت که اصلاح مقررات و قوانین و تغییر برنامه‌های درسی و حتی مرمت و بازسازی ساختمان‌ها و تجهیز مدارس با رایانه‌ها (تکنولوژی) هیچ گونه تحولی در نظام آموزشی برای ما حاصل نخواهد کرد؛ تغییر تنها زمانی رخ خواهد داد که معلم به ارزش آزادی پی ببرد و به اصل گفت‌وگوی آزاد و بدون پیش شرط احترام بگذارد (ابوزید، ۱۹۹۵: ۲۷).

نومعتزلیان پس از برملاء نمودن ضعف‌ها و کاستی‌های نهادهای آموزشی فعلی کشورهای مسلمان در تربیت دینی، در گام دوم به عنوان مصلح، راهکارهایی همچون تأکید بر آزادی، تشویق عقلانیت و نوآوری در تربیت دینی، حمایت از تجدد و تنوع در برنامه‌های آموزشی درس دینی، تأکید بر روش گفتگو و نقد سنت در کلاس درس دینی، تأکید بر برابری فرصتهای آموزشی برای مردان و زنان، طرفداری از روش‌های فلسفی نوین همچون تحلیل فلسفی زبان، هرمنوتیک، تأکید بر استقلال و عدم وابستگی نظام تربیتی به هیچ حزب یا نهاد سیاسی، مخالفت با تقلید کورکورانه و تعصبات بی‌جا، تحمیل و زور را در تربیت دینی پیشنهاد داده‌اند.

امین الخولی (۱۸۹۶-۱۸۹۵) استاد زبان و ادبیات عرب دانشگاه قاهره و یکی از نخستین فلاسفه‌ی نومعتزله که برای اولین بار، روش‌های مطالعات ادبی را در مطالعه قرآن بکار برد و روش خاصی در تفسیر مطرح نمود (موسوی مقدم و امیدوار، ۱۳۸۸: ۱۱۹-۱۱۸) در بیشتر آثارش، شعار "تجدد" در دین را سر می‌دهد. وی در



کتاب معروف خود «المجددون فی الاسلام» به صراحت اعلام می‌کند که اسلام هیچ وقت مخالف پیشرفت و تغییر نبوده و بر عکس اساس و اصول تجدید و نوگرایی در دین اسلام آمده اند و در این مورد "اجتهاد" را راه چاره ارائه می‌دهد. همچنین به حدیثی از پیامبر اشاره می‌کند که فرمود: خداوند در هر صد سال، فردی را می‌فرستد که دین امت من را تجدید می‌کند (الخولی، ۲۰۱۴: ۴۵).

حسن حنفی نیز در کتاب «فی فکرها المعاصر» بحث مفصلی را درباره ضرورت اصلاح دانشگاه ارائه داده است. وی معتقد است که دانشگاه زمانی می‌تواند نقش و وظیفه‌ی خود را به صورت کامل انجام دهد که دو شرط زیر تامین و فراهم شده باشند: اول رابطه بین دانشگاه و دولت مشخص و محدود شده باشد، به عبارتی دانشگاه بایستی استقلال داشته باشد و از اعمال سلطه و فشار دولت کاملاً آزاد باشد، و دوم ارتباط بین اعضای دانشگاه مشخص و تعریف شده باشد، منظور وجود دموکراسی در انتخاب شوراهای مختلف دانشگاهی است، و در ادامه استقلال دانشگاه را این گونه تعریف می‌کند: «استقلال دانشگاه به معنی جداسازی آن از جامعه نیست، زیرا که این امر به دلیل اینکه دانشگاه جزئی از جامعه است امکان‌پذیر نیست، بلکه منظور از استقلال دانشگاه، فراهم نمودن آزادی اندیشه و تفکر تا حد ممکن در آن است... (حنفی، ۱۹۸۳: ۲۲۳).

حامد ابوزید نیز "آزادی" را مهم‌ترین شرط تحقق یک نظام آموزشی توانمند معرفی می‌کند او به صراحت در کتاب "التفکیر فی زمن التکفیر" در اهمیت و لزوم ارزش آزادی در نظام تربیتی بیان می‌کند که: «تنها راه گذر از مشکلات و غلبه بر بحران‌های معاصر در همه سطوح، داشتن یک "نظام آموزشی" توانمند است که قادر به رشد و توسعه‌ی همه جانبه‌ی استعدادها و توانایی‌های عقلانی، جسمانی، روانی و حتی خیالی انسان باشد. به غیر از این طریق، راه دیگری سراغ نداریم. نظامی که در آن باید حتی به هنرهای زیبا، آداب و فنون انسانی توجه گردد. ولی باید گفت که تحقق چنین نظامی بدون اشاعه و گسترش فرهنگ "آزادی" در جامعه امکان‌پذیر نیست» و در ادامه آزادی را بدین گونه تشریح می‌کند: "... مقصود ما از آزادی، آزادی تفکر، آزادی بحث، آزادی مناظره و گفت-وگو بدون هیچ‌گونه محدودیت و پیش فرضی و یا اهداف از پیش تعیین شده‌ای است، که محقق (متفکر) ناگزیر از وصول به آن‌ها است.

## ۶. نتیجه‌گیری

جریان فکری اسلامی جدید (نو معتزله) به دنبال آن است، تا پارادایم‌های درون سنت را به منظور همنشینی با مفاهیم مدرنیته ترسیم و شیوه‌های نوسازی در اندیشیدن را پشتوانه‌های بومی بیابد. آن‌ها به دنبال آنند تا نگاه سنت را به مفاهیمی چون آزادی و حقوق عمومی، حق اختلاف و حقوق بشر، جهانی شدن و رابطه با دیگری، رابطه بین ملت و دولت، توسعه و حاکمیت، فقه سیاسی، تعلیم و تربیت و مسائلی از این دست را روشن نمایند و



در نهایت به تعریف جدید از دین ورزی به مقتضای زمان، دست یابند (وصفی، ۱۳۸۷: ۶).

نومعتزلیان معاصر در آثار خود به گونه‌ای به تربیت کنونی کشورهای مسلمان عنایت ویژه‌ای نموده‌اند. این اندیشمندان بر این باورند که نظام تربیتی کنونی کشورهای مسلمان با چالش‌های بزرگی همچون نادیده گرفتن جایگاه عقل، ترویج عقیده جبر، جهل، تقلید کورکورانه، اطاعت، خودکامگی و آزادی‌ستیزی روبرو است. بنابراین این نوع تربیت نمی‌تواند جوابگوی نیازهای آدمی در دنیای کنونی گردد. آرمان نومعتزلیان در درجه اول احیای عقلانیت فراموش شده اسلامی و طرفداری از روش‌های تدریس نقادانه، آزادانه و رهایی بخش و تأکید بر تفسیر و تأویل به روز از قرآن و سنت نبوی در تربیت دینی است.

در مجموع نومعتزلیان معاصر در تربیت دینی بر این مقوله‌ها تأکید فراوان می‌کنند:

- تأکید فراوان بر آزادی در تعلیم و تربیت
- تأکید بر عقلانیت و فهم در تربیت دینی
- تشویق تفکر و نوآوری و خلاقیت در تربیت دینی
- تأکید بر گفتگو، نقد و مباحثه در تربیت دینی
- استفاده از روش‌های فلسفی جدید همچون هرمنوتیک، فلسفه تحلیل زبان، روش‌های تاریخی، جامعه‌شناسی و آنتروپولوژی در بررسی سنت
- تأمین فرصت‌های آموزشی برابر برای مردان و زنان در تربیت دینی
- توجه به آموزش خاص اقلیت‌های دینی
- طرفداری از تحقیقات علمی و بنیادی جدید برای حل بحران‌های جامعه معاصر
- مبارزه با جهل و خرافات و همچنین تقلید کورکورانه در تربیت دینی
- توجه به همه‌ی جنبه‌های آدمی (عقلی، عاطفی، بدنی، تخیلی) در تعلیم و تربیت دینی
- تأکید بر استقلال و عدم وابستگی نظام آموزشی به هیچ نهاد یا حزب دولتی
- توجه به موضوعاتی همچون هنر، موسیقی و ادبیات جهانی و تأکید بر گنجاندن آنها در برنامه درسی

## ۷. منابع و ماخذ

- ابوزید، نصر حامد. (۱۹۹۵) *النص، السلطه، الحقیقه*. بیروت: نشر مرکز الثقافی العربی.
- ابوزید، نصر حامد. (۲۰۰۸) *نقد الخطاب الدینی*. قاهره: نشر مکتبه المدبولی
- الجابری، محمد عابد (۲۰۰۶). *نقد العقل العربی*. قاهره: نشر مرکز دراسات الوحده العربیه.
- الخولی، یمنی طریف. (۲۰۱۴) *امین الخولی و الابعاد الفلسفیه للتجدید*. قاهره: موسسه هنداوی للتعلیم و الثقافه



## هفتمین همایش ملی انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران

فلسفه تعلیم و تربیت و قلمرو علوم اجتماعی و انسانی

دانشگاه شیراز

۳۰ و ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۵



- آرکون، محمد. (۱۹۹۸) *قضايا في نقد العقل الديني؛ كيف نفهم الإسلام اليوم*. بيروت: دار الطليعه.
- آرکون، محمد. (۱۹۹۱) *من الاجتهاد الى نقد العقل الاسلامي*. بيروت، نشر دار الساقی.
- حنفی، حسن. (۱۹۸۳) *في فكرنا المعاصر*. الطبعة العربية الثانية، بيروت: دار التنوير للطباعة و النشر.
- داودی، محمد. (۱۳۸۶) *سیره تربیتی پیامبر(ص) و اهل بیت (ع)*. جلد دوم: تربیت دینی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ظاهری راد، جعفر. (۱۳۹۰) *بررسی تحلیلی تربیت دینی و چالش‌های پیش رو با تأکید بر آموزه های اسلامی*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران.
- گلی، جواد و یوسفیان، حسن. (۱۳۸۹). «جریان شناسی نومعتزله». *معرفت کلامی*، سال اول، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۹، ص ۱۴۲-۱۱۵.
- غروی، سعیده. (۱۳۸۳). «معرفی معتزلیان معاصر». *مجله حکمت سینوی (مشکوه النور)*، سال هشتم، بهار و تابستان ۱۳۸۳، شماره ۲۴ و ۲۵.
- وصفی، محمدرضا. (۱۳۸۷) *نومعتزلیان؛ گفت اختصاصی با نصر حامد ابو زید، عابد الجابری، محمد ارکون و حسن حنفی*. تهران: نشر نگاه معاصر
- موسوی قدم، سید محمد و امیدوار، جنان. (۱۳۸۸) «روش شناسی تفسیر ادبی- تاریخی قرآن در دوره معاصر». *مجله پژوهش دینی*، شماره نوزدهم، پاییز و زمستان
- سواری و همکاران (۱۳۹۴). *آموزش عالی از منظر نومعتزلیان معاصر جهان عرب*. چکیده مقالات ششمین همایش انجمن فلسفه تعلیم و تربیت، تهران، دانشگاه شهید بهشتی
- صفایی مقدم، مسعود (۱۳۸۸). *مبانی تربیت از نگاه امام سجاد(ع)*، اهواز: نشر رسیش
- مشایخی راد، شهاب‌الدین (۱۳۸۰). *مجموعه مقالات تعلیم و تربیت دینی (ترجمه)*، قم، انتشارات پژوهشکده ی حوزه و دانشگاه.
- ناصر، ابراهیم (۱۳۸۰). *بررسی تطبیقی تربیت دینی*، ترجمه: علی حسین‌زاده، قم، انتشارات مؤسسه ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).